

## Research Article

## Habitus of Prominent Iranian Literary Translators: An Exploratory Study

Nazanin Shadman<sup>1</sup> , Masood Khoshsaligheh<sup>2</sup> <sup>1</sup> Assistant professor of Translation Studies, Department of English, University of Maragheh, Iran. (Corresponding Author)Email : [n.shadman@maragheh.ac.ir](mailto:n.shadman@maragheh.ac.ir)<sup>2</sup> Full Professor, Department of English, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, IranEmail : [khoshsaligheh@um.ac.ir](mailto:khoshsaligheh@um.ac.ir)**Received:** January 2025**Published online:**  
September 2025**\*Corresponding author:**Shadman, Nazanin, Assistant professor of Translation Studies, Department of English, University of Maragheh, Iran.  
Email: [n.shadman@maragheh.ac.ir](mailto:n.shadman@maragheh.ac.ir)**Citation:**

Shadman, Nazanin, Khoshsaligheh, Masood, Habitus of Prominent Iranian Literary Translators: An Exploratory Study, Critical Language and Literary Studies. Vol. 22, No.35, Fall and Winter 2025.

DOI: <https://doi.org/10.48308/clls.2025.238780.1308>**Abstract:**

The present study aims to identify and analyze the habitus of prominent Iranian literary translators, a concept derived from Pierre Bourdieu's sociological theory that refers to a set of internalized tendencies, dispositions, and structures that unconsciously guide the actions of social agents. In this regard, this research focuses on the cultural and social aspects of Iranian literary translators to identify and analyze the behavioral and thinking patterns that guide their translation choices and style. While addressing the human and social dimensions of translation, this study attempts to achieve a multi-layered understanding of literary translation in contemporary Iran by moving away from a purely linguistic perspective.

In previous decades, scholars have been reviewing translator-centered studies, especially within the framework of the sociology of translation, where the position of the translator as a social activist who operates within the context of culture, ideology, and lived experience is explained. Citing Andrew Chesterman's perspective on "translator studies" and the application of habitus theory in studies such as Simeoni (1998) and Millaerts (2008), the importance of examining the deep-rooted attitudes and beliefs of translators in shaping translation decisions is highlighted in the present research. In the Iranian research environment, this study is considered one of the pioneering studies, with a large volume of primary and secondary data, that attempts to present a comprehensive picture of the social patterns of prominent translators.

The study uses a qualitative approach based on grounded theory. Primary data was collected through semi-structured interviews with 12 prominent literary translators between 2017 and 2018. Secondary data also included 30 published interviews with 23 translators, and four books containing memoirs and published conversations with translators. Using open, axial, and selective coding, the concepts in the data were analyzed and categorized. In this process, qualitative validation criteria such as peer review, rich description, and reflexivity were used to ensure the validity, reliability, and transferability of the findings.

Discussion: The results of the study indicate that the habits of Iranian literary translators can be classified into three main categories: (1) "family culture" which includes a high level of literacy, and familiarity with Persian literature; (2) "protest and justice-seeking approach" which is associated with being influenced by leftist ideas and a tendency to fight social injustice; and (3) "traveling into the past" which refers to nostalgia and traditionalism. These three axes were simultaneously repeated in many participants and seem to have played a fundamental role in the formation of the select group of translators' habitus.

Conclusion: One of the most important outcomes of this research is the presentation of a conceptual model for understanding the habits of literary translators in Iran, which can be very effective in the field of literary translation education, designing university

courses, and training professional translators. The findings of this research show that success in literary translation does not depend only on linguistic skill, but also on the translators' lifeworld, intellectual inclinations, and cultural background. In this regard, it is suggested that educational programs in the field of translation pay more attention to cultivating students' literary taste, historical understanding, and social awareness. In addition, by documenting the memories and lived narratives of translators, this study contributes to recording part of the oral history of literary translation in Iran and can provide a suitable platform for future interdisciplinary research.



## عادت‌واره مترجمان ادبی برجسته ایران: مطالعه اکتشافی

نازنین شادمان<sup>۱</sup>، مسعود خوش‌سلیقه<sup>۲</sup><sup>۱</sup> استادیار مطالعات ترجمه، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه مراغه، ایران، نویسنده مسئول، پست الکترونیک: [n.shadman@maragheh.ac.ir](mailto:n.shadman@maragheh.ac.ir)<sup>۲</sup> استاد تمام، گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، پست الکترونیک: [a\\_abbassi@sbu.ac.ir](mailto:a_abbassi@sbu.ac.ir)

## چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی عادت‌واره گروهی از مترجمان برجسته ادبی ایران انجام شده است. پژوهشگران به منظور نیل به این هدف، از داده‌های اولیه و ثانویه استفاده کردند. داده‌های اولیه شامل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و عمیق با ۱۲ مترجم برجسته ادبی ایران بود. منابع ثانویه داده شامل ۳۰ مصاحبه چاپ‌شده با ۲۳ مترجم برجسته ادبی ایران و چهار کتاب، از جمله زندگینامه یک مترجم و خاطرات سه مترجم دیگر بود. با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، داده‌های کیفی جمع‌آوری‌شده از طریق مصاحبه‌ها کدگذاری شدند. نتایج حاکی از آن است که در مجموع می‌توان سه مفهوم کلی را برای توصیف عادت‌واره مترجمان ادبی ایرانی در نظر گرفت. این مفاهیم به سه مفهوم فرهنگی بودن خانواده (شامل زیرمجموعه‌های سطح سواد و مطالعه و انس با ادبیات فارسی)، رویکرد اعتراضی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی (شامل مفاهیم عدالت‌خواهی و افکار مارکسیستی) و همچنین سیر در گذشته (شامل نوستالژیک بودن و سنتی بودن) تقسیم‌بندی شد.

**واژگان کلیدی:** عادت‌واره، مترجم ادبی، ترجمه ادبی، مطالعات مترجم، داده‌بنیاد.

تاریخ دریافت: بهمن ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: شهریور ۱۴۰۴

## \* نویسنده مسئول:

شادمان، نازنین، استادیار مطالعات ترجمه، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه مراغه، ایران.

ایمیل: [n.shadman@maragheh.ac.ir](mailto:n.shadman@maragheh.ac.ir)

## ارجاع به مقاله:

شادمان، نازنین، خوش‌سلیقه، مسعود، عادت‌واره مترجمان ادبی برجسته ایران: مطالعه اکتشافی. دو فصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره ۲۲، شماره ۳۵

Doi: <https://doi.org/10.48308/cls.2025.238780.1308>

## ۱. مقدمه

بر کارگزاران مختلف، نهادهای تاثیرگذار بر آن‌ها و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که ترجمه در آن رخ می‌دهد، تأکید دارد و به جای اینکه ترجمه را صرفاً انتقالی زبانی یا متنی از زبانی به زبان دیگر در بگیرد، بر ابعاد انسانی، کارگزارها و جنبه‌های مرتبط با قدرت که زیربنای فعالیت ترجمه هستند، تأکید می‌کند. (ولف<sup>۳</sup> ۲۰۲۱). جامعه‌شناسی ترجمه بر این اصل استوار است که تصمیمات مترجمان از

جامعه‌شناسی ترجمه<sup>۱</sup> زیرشاخه‌ای از مطالعات ترجمه است که ترجمه را فعالیتی اجتماعی می‌داند که در آن، مطالعه ترجمه از مطالعه مترجم جدا نیست. در این زیرشاخه، برای بررسی ترجمه باید فراتر از متن رفت و به نقش و انگیزه مترجم و بافت اجتماعی تولید و پذیرش<sup>۲</sup> نیز پرداخت. جامعه‌شناسی ترجمه

1. Sociology of translation
2. Production and reception

3. Michaela Wolf

نظریه ساختاربندی گیدن<sup>۶</sup>، نظریه نقش‌گرای گافمن و همچنین نظریه کنشگر- شبکه<sup>۷</sup> استوار بوده است. با این حال، در نهایت، مدل تحلیلی بورديو بود که پایه و اساس جامعه‌شناسی ترجمه و پژوهش‌های مترجم‌محور را پایه‌گذاری کرد (کایندل و اودوکیمو<sup>۸</sup> ۴۲۰۲).

در سال ۹۰۰۲، اندرو چسترمن<sup>۹</sup> در مقاله «نام و ماهیت مطالعات مترجم<sup>۱۰</sup>»، زیرشاخه‌ای از جامعه‌شناسی ترجمه را تحت عنوان مطالعات مترجم<sup>۱۱</sup> معرفی کرد. وی معتقد بود که این زیرشاخه از مطالعات ترجمه، تمرکز را از محصول یا فرآیند ترجمه به مترجم به مثابه موضوع اصلی پژوهش تغییر می‌دهد. چسترمن در این مقاله استدلال می‌کند که پژوهشگران مطالعات ترجمه اغلب با جنبه‌های متنی ترجمه سروکار دارند و توجه کافی به مترجم به مثابه یک عامل اجتماعی ندارند. به نظر وی، مترجمان در زمینه‌های تاریخی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی ترجمه، نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند که باید از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرند. مفهومی که چسترمن معرفی کرد، پایه و اساس تحقیقات بعدی را شکل داد که عادت‌های مترجمان، موقعیت اجتماعی آن‌ها، هویت حرفه‌ای و روابط قدرت بین مترجمان و دیگر کارگزاران ترجمه را بررسی می‌کنند. مثلاً، تأکید کایندل<sup>۱۲</sup>، کولب<sup>۱۳</sup> و شلاگر<sup>۱۴</sup> (۱۲۰۲) مشخصاً بر مترجمان ادبی، نقش آن‌ها در جامعه،

شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه مقصد نشأت می‌گیرد و در این میان، عوامل دیگری چون ناشر و بازار ترجمه نیز بر این تصمیمات اثر می‌گذارند (دمیترینکو<sup>۱</sup> ۵۲۰۲). یکی از مهمترین مفاهیم در این زیرشاخه این است که ترجمه هرگز بی‌طرفانه نیست و اهمیت ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی دارد. انتخاب‌های مترجمان تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله عادت‌واره مترجم، هنجارهای فرهنگ مقصد، انتظارات انتشارات و روابط قدرت بین زبان‌ها و فرهنگ‌ها قرار می‌گیرند (هرمانز<sup>۲</sup> ۴۱۰۲).

در اواخر قرن بیستم، چرخش جامعه‌شناختی مطرح شد اما ریشه‌های این پارادایم را می‌توان به پیشرفت‌های قبلی، چه در نظریه‌های ترجمه و چه در جامعه‌شناسی، جستجو کرد. مطالعات اولیه ترجمه عمدتاً تحت سلطه رویکردهای زبانی و مبتنی بر معادل‌سازی بود و بر چگونگی انتقال معنا بین زبان‌ها تمرکز می‌کرد. با این حال، در سال‌های دهه ۷۹۱ و ۸۹۱، این رویکردها به دلیل عدم توجه به عوامل فرهنگی، تاریخی و اجتماعی مورد نقد پژوهشگران قرار گرفتند. مثلاً، مفهوم مطالعات ترجمه توصیفی<sup>۳</sup> گیدئون توری<sup>۴</sup>، نظریه بنیادینی بود که به نقش هنجارهای حاکم در جوامع و فرهنگ‌های متفاوت بر حوزه‌های ترجمه می‌پرداخت. توری کار خود را با عنوان جامعه‌شناسی معرفی نمی‌کند اما بعدها، جامعه‌شناسان ترجمه مفهوم هنجارهای توری را اقتباس کردند. گفتمان جامعه‌شناسی مترجمان تا کنون بیشتر بر نظریه جامعه‌شناسی بازتابی بورديو<sup>۵</sup>،

6. Giddens's structuration theory

7. Actor-network

8. Kaindl and Evdokimov

9. Andrew Chesterman

10. The Name and nature of Translator Studies

11. Translator studies

12. Kaindl

13. Kolb

14. Schlager

1. Dimitrienko

2. Hermans

3. Descriptive Translation Studies

4. Gideon Toury

5. Bourdieu's reflective sociology

هویتشان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها است. آن‌ها رویکردهای مترجم‌محور را در چهار بخش معرفی می‌کنند. مطالعات تاریخی-زندگی‌نامه‌ای مترجمان، استفاده از روش‌های فرآیندمحور برای دسترسی به شیوه کار مترجمان، بررسی عادت‌واره مترجمان و همچنین بررسی دیباچه ترجمه‌ها به منظور دستیابی به درونیات مترجمان ادبی از جمله مواردی است که نویسندگان با تکیه بر مفهوم مطالعات مترجم، بررسی کرده‌اند. نویسندگان این اثر نشان داده‌اند که مطالعات مترجم ادبی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های مطالعات مترجم می‌تواند با بررسی جنبه‌های فرهنگی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مترجمان به درک کل‌نگر ترجمه کمک کند. در همین راستا، واسالو<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) با در نظر گرفتن مفهوم مطالعات مترجم چسترمن، رویکردی فمینیستی مبتنی بر کارگزاران را در مطالعات ترجمه ترسیم می‌کند که تمرکز تحلیل را از متن ترجمه شده به مترجم متن و سایر عوامل درگیر در زنجیره انتشار تغییر می‌دهد. نویسنده با تمرکز بر دیدگاه‌های فمینیستی، به بررسی جایگاه جنسیت، قدرت و هویت مترجمان در فرآیند ترجمه می‌پردازد و استدلال می‌کند که ترجمه نه صرفاً عملی زبانی، بلکه کنشی سیاسی و جنسیتی است. این کتاب به‌ویژه بر اهمیت صدای مترجمان زن، تجربه زیسته آن‌ها، و نقش آن‌ها در بازنمایی متون و فرهنگ‌ها تأکید می‌کند.

با توجه به مطالعات پیشین در زمینه عادت‌واره‌های مترجمان، می‌توان گفت بررسی عمیق و نظام‌مند عادت‌واره‌های خاص مترجمان ادبی در ایران، از جمله حوزه‌هایی است که همچنان نیازمند پژوهش‌های گسترده و هدفمند است. به‌ویژه، نقش

و تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر شکل‌گیری این عادت‌واره‌ها، در ادبیات موجود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در راستای پر کردن این خلأ پژوهشی، هدف اصلی مطالعه حاضر شناسایی و تحلیل عادت‌واره‌های گروهی از مترجمان برجسته ادبی ایران و بررسی نحوه تأثیرگذاری زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی بر شکل‌گیری این عادت‌واره‌ها است. این پژوهش در تلاش است تا با تمرکز بر عادت‌واره‌های مترجمان برجسته ادبی ایران، به فهمی عمیق‌تر از عوامل زمینه‌ای و درونی‌ای بپردازد که رفتار ترجمه‌ای مترجمان را شکل می‌دهد. این پژوهش با رویکردی کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، از عمق روایت‌های زیسته و تجربیات شخصی مترجمان، مفاهیمی استخراج می‌کند که در ادبیات ترجمه کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. به‌ویژه، بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر عادت‌واره مترجمان، می‌تواند دیدگاهی جدید نسبت به کنش ترجمه در ایران ارائه دهد. در نهایت، این مطالعه با روشن ساختن پیوند میان زیست‌جهان مترجمان و تصمیمات ترجمه‌ای آن‌ها، به غنای حوزه مطالعات مترجم کمک کرده و زمینه را برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بیشتر در مورد ترجمه، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی فراهم می‌سازد. بنابراین، این مطالعه را می‌توان به سه دلیل منحصر به فرد در نظر گرفت: (۱) می‌توان آن را به عنوان مطالعه‌ای پیشگام در نظر گرفت که در آن استدلال استقرائی برای بررسی عادت‌واره مترجمان ادبی به کار می‌رود. (۲) تأکید پژوهش حاضر بر توصیف عادت‌واره مترجمان ادبی برجسته است. افرادی که به دلیل محدود بودن دسترسی به ایشان، پژوهش‌های بسیار اندکی تاکنون انجام شده و اگر هم انجام شده باشد، صرفاً بر یک یا دو مترجم تأکید

1. Vassallo

شده است. و (۳) در این پژوهش، تلاش پژوهشگران بر این بوده که منابع اولیه و ثانویه داده‌ها از تعداد قابل توجهی از مترجمان برجسته جمع‌آوری شود و انتشار این مصاحبه‌ها به صورت یک مجموعه می‌تواند بخشی از تاریخ شفاهی ادبیات ایران را تشکیل دهد که در نوع خود می‌تواند پیشگام قلمداد شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

### ۲/۱. مطالعات مترجم

آنچه امروزه با نام مطالعات مترجم می‌شناسیم، با مقاله مهم اندرو چسترمن در سال ۹۰۰۲ با عنوان *نام و ماهیت مطالعات مترجم به حوزه مطالعات ترجمه معرفی شد*. چسترمن در این مقاله پیشنهاد کرد حوزه پژوهشی جدیدی با نام مطالعات مترجم در زیر مجموعه حوزه مطالعات ترجمه تاسیس شود. وی در ابتدای مقاله‌اش توضیح می‌دهد که «برخی از پژوهش‌هایی که طی سال‌های اخیر در حوزه مطالعات ترجمه انجام گرفته، به روش‌های گوناگون به جای توجه به متن ترجمه بر مترجم متن تأکید کرده‌اند. شاید بتوان این پژوهش‌ها را زیرمجموعه حوزه‌ای به نام «مطالعات مترجم» دسته‌بندی کرد» (۳۱، ۹۰۰۲). از نظر چسترمن، نقشه کلاسیکی که جیمز اس. هولمز<sup>۱</sup> برای مطالعات ترجمه ترسیم کرده، این قسمت از پژوهش‌های ترجمه‌پژوهان را نادیده گرفته است. نخستین تعریفی که چسترمن از حوزه مطالعات مترجم ارائه می‌دهد این است که شاخه مطالعات مترجم شاخه‌ایست که به مطالعه در مورد مترجمان کتبی و شفاهی می‌پردازد. (۲۱، ۹۰۰۲). البته، بولانوس مدینا، به نقل از کورتنی و فیلان<sup>۲</sup>، (۹۱۰۲) به درستی اشاره می‌کنند که تأکید چسترمن

فقط بر جنبه‌های جامعه‌شناختی مترجمان متمرکز است و زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی مترجمان را آنچنان بررسی نمی‌کند. در عین حال، چسترمن معتقد است که تغییر تمرکز از ترجمه به مترجم تحت تأثیر رویکردهای جامعه‌شناختی به ترجمه در دو دهه اخیر میلادی شکل گرفته است. در مطالعات مترجم، مترجم بر متن اولویت دارد. «مترجم» در کانون توجه و «متن» در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. این رویکرد باعث می‌شود تغییرات عمده‌ای در سؤالات پژوهش‌های مطالعات ترجمه پدید آید (چسترمن ۱۲۰۲، ۲۴۲). وی به درستی مباحث فرهنگی، شناختی و جامعه‌شناسی ترجمه را بخشی جدایی‌ناپذیر از مطالعات مترجم می‌داند. پس از بخش‌های نخستین مقاله اولیه، چسترمن مدلی نوین برای مطالعات مترجم پیشنهاد می‌دهد و آن را مدل کارگزار<sup>۳</sup> می‌نامد. برای تبیین این مدل، چسترمن در آغاز، مطالعات ترجمه را به چهار شاخه اصلی متنی، شناختی، فرهنگی و جامعه‌شناختی تقسیم می‌کند. در ادامه حوزه پژوهش‌های متنی را از پژوهش‌های مطالعات مترجم جدا می‌کند اما سه حوزه دیگر یعنی حوزه‌های شناختی، فرهنگی و جامعه‌شناختی را در زیرمجموعه موضوعات مورد پژوهش در مطالعات مترجم طبقه‌بندی می‌کند و نهایتاً موضوعات مورد مطالعه در هر کدام از این زیرمجموعه‌ها را معرفی می‌کند (چسترمن ۹۰۰۲؛ به نقل از شادمان، خوش‌سلیقه و استکا ۲۲۰۲). از دیدگاه چسترمن، جامعه‌شناسی مترجمان شامل موضوعاتی مثل جایگاه انواع مختلف مترجمان در فرهنگ‌های مختلف، نرخ دستمزد، شرایط کاری، الگوها و عادت‌واره‌های مترجمان، سازمان‌های وابسته به

1. James S. Holmes

2. Courtney and Phelan

3. Agent model

حرفه مترجمی، سیستم‌های اعتبارسنجی مترجمان، شبکه‌های کاری آن‌ها، حق چاپ، حق مترجم و غیره می‌شود (چسترمن ۱۲۰۲، ۳۴۲).

تغییر دیدگاه از متن به مترجم در طی دهه گذشته در ایران نیز در برخی از پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است، گرچه در برخی از این پژوهش‌ها صراحتاً به مفهوم پیشنهادی چسترمن اشاره نشده است. حدادیان مقدم (۴۱۰۲) بررسی عمیقی از تاریخ و چالش‌های ترجمه ادبی در ایران معاصر ارائه می‌دهد. در این اثر، تحلیل مفصلی از نقش ترجمه در شکل‌گیری ادبیات، فرهنگ و تفکر ایرانیان، به‌ویژه در قرن بیستم که ایران دستخوش تحولات سیاسی و اجتماعی مهمی شد، ارائه می‌شود. نویسنده همچنین به چالش‌هایی که مترجمان ادبی در ایران با آن روبه‌رو هستند، از جمله فقدان نظام ترجمه استاندارد، محدودیت‌های مالی و فشارهای جامعه می‌پردازد. نویسنده به نقش ترجمه ادبی در پر کردن شکاف بین ادبیات جهانی و خوانندگان ایرانی اشاره می‌کند و در عین حال تأثیر مترجمان ایرانی بر استقبال بین‌المللی از ادبیات ایران را بررسی می‌کند. اشرفی (۴۲۰۲) مطالعات مترجم را وارد حیطه گسترده‌تری می‌کند و با تأکید بر نقش محوری انتشارات تحت رهبری زنان، به وضعیت نشر ادبی در ایران از دریچه جامعه‌شناسی رابطه‌ای<sup>۱</sup> می‌پردازد و تأثیر ناشران زن بر چشم‌انداز ادبی در چالش‌های سیاسی-اجتماعی را بررسی می‌کند. این مطالعه دیدگاه‌های کلان جامعه‌شناختی را با تعاملات در سطح خرد پیوند می‌دهد و قدرت دگرگون‌کننده زنان در قلمرو ترجمه و نشر را روشن می‌کند. نهایتاً این پژوهش بر تأثیر متقابل بین جنسیت، ترجمه و ساختارهای اجتماعی

در ایران معاصر تأکید می‌کند. جمالی‌منش، امیریان و نژاد انصاری (۴۲۰۲) با استفاده از چارچوب جامعه‌شناختی بوردیو از طریق پرسش‌نامه و تحقیقات کیفی، از جمله مصاحبه عمیق با چهره‌های تأثیرگذار در حوزه ترجمه ادبی ایران، مانند مترجمان ادبی، ناشران، و پژوهشگران دانشگاهی به بررسی وضعیت سرمایه نمادین مترجمان زن در ایران پس از انقلاب اسلامی می‌پردازند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه نمادین می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای بسیاری از زنان ایرانی باشد که کارشان ترجمه ادبی است، چرا که این زنان با تکیه بر ترجمه می‌توانند فعالیت‌های حرفه‌ای خود را به جامعه نشان دهند. فردوسی و عامری (۴۲۰۲) به بررسی تأثیر عوامل حرفه‌ای و جمعیت‌شناختی مترجمان بر معیارهای انتخاب کتاب برای ترجمه در ایران معاصر می‌پردازند. نتایج این پژوهش که با تحلیل پاسخ‌های ۸۴۲ مترجم حرفه‌ای به یک پرسش‌نامه به دست آمده، نشان می‌دهد که سابقه کاری، مدرک تحصیلی و رشته تحصیلی مترجمان نقش معناداری در معیارهای انتخاب کتاب ایفا می‌کنند.

## ۲/۲. عادت‌واره

اگر جامعه‌شناسی قرن بیستم را تقابل میان دو نخله فکری عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در نظر بگیریم، می‌توان گفت ایده‌های پیر بوردیو<sup>۲</sup> راهی نو برای حل تقابل میان این دو فرقه است. بوردیو با فرا رفتن از دوگانه‌های موجود در آن دوران، مجموعه‌ای از ابزار فکری را ایجاد کرد که به جوامع این امکان را می‌داد که پدیده‌هایی مانند نابرابری آموزشی، بازتولید فرهنگی و موقعیت و طبقه اجتماعی را بررسی

1. Relational sociology

2. Pierre Bourdieu



کند (کوستا و مورفی<sup>۱</sup> ۵۱۰۲، ۴۱). وی در تلاش برای حل تقابل میان دوگانه تسلط یا عدم تسلط قوانین ثابت بر رفتار بشری، سه مفهوم میدان<sup>۲</sup>، سرمایه<sup>۳</sup> و عادت‌واره<sup>۴</sup> را معرفی کرد و با شناساندن این مفاهیم در تلاش بود تا موارد ضعف ساختارگرایی را که در آن دوران از مقبولیت عام برخوردار بود، شناسایی کند (بوردیو، ۳۹۹۱). بعدها وی مفهوم ساختارگرایی تکوینی را جایگزین آن کرد (سوزن و ترنر<sup>۵</sup> ۱۱۰۲، ۸۴۲). عادت‌واره سومین مفهومی است که بوردیو در ساختارگرایی تکوینی<sup>۶</sup> معرفی می‌کند. تأکید بوردیو در این مفهوم سوم بر کاستی‌های ساختارگرایی در تبیین کنش عاملان است. از نظر وی در ساختارگرایی رفتارهای عاملان فقط در چارچوب قوانین سفت، خشک و صرفاً منطقی تعریف می‌شود. حال آنکه بوردیو با ارائه مفهوم عادت‌واره در تلاش است نشان دهد که خاستگاه کنش عاملین اجتماعی را باید فراتر از قوانین و هنجارهای موجود و راهکارهای منطقی در نظر گرفت. برای مثال، در حوزه آموزش عادت‌واره می‌تواند در گروه‌های متفاوت (دانش‌آموزان، خانواده‌ها و نهادها) و حوزه‌های متفاوت (سطوح آموزشی، انواع یادگیری، موضوعات و برنامه‌ها) بصورت پیوسته یا ناپیوسته در نظر گرفته شود (تان و لیو<sup>۷</sup>، ۲۲۰۲). مفهوم عادت‌واره بخشی از جهان‌بینی بوردیو برای توصیف اعمال اجتماعی است که به کلیت عادات، مهارت‌ها و تمایلات عمیق عاملین اجتماعی اشاره می‌کند. افراد با تجربیاتی که در فضاهای اجتماعی به دست می‌آورند، مجموعه این عادات،

مهارت‌ها و تمایلات را شکل می‌دهند و از این طریق بخشی از افکارشان ساخته و اعمالشان پی‌ریزی می‌شود. در واقع، عادت‌واره همان ساختارهای اجتماعی مشترک میان اعضای یک جامعه است که رفتار اجتماعی آن‌ها را تبیین می‌کند. تجربیات افراد باعث می‌شود اصول و قوانینی را در فضاهای اجتماعی به دست آورند تا از همین اصول برای معنا بخشیدن به اعمالشان در اجتماع و همچنین تصمیم‌گیری در مورد نحوه رفتار در جامعه استفاده کنند. بوردیو از استعاره نتهای موسیقی برای توضیح مفهوم عادت‌واره استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه افراد، ساختارها و هنجارهای اجتماعی را درونی‌سازی می‌کنند. درست همانطور که نوازندگان به طور ناخودآگاه می‌دانند که کدام نتهای را در کدام کلید خاص بنوازند، عادت‌واره نیز موجب می‌شود افراد به طور غریزی موقعیت‌های اجتماعی را بر اساس منش‌های آموخته شده و سرمایه فرهنگی خود هدایت کنند و در نتیجه آنچه را که در جامعه‌ای خاص انتظار می‌رود، بازتولید کنند و احتمالات را به واقعیت تبدیل کنند (بوردیو ۶۹۹۱، ۱۱۲). از نظر بوردیو، عادت‌واره همان مواردی را شامل می‌شود که در میان اعضای یک گروه مشابه است، زیرا نتیجه انطباق افراد با ساختارها و هنجارهای اطراف آن‌هاست و افرادی آن‌ها را بازتولید می‌کنند که گروه‌های اجتماعی مشترکی دارند (بوردیو ۹۹۱، ۶۱). نهایتاً این گونه نتیجه‌گیری می‌شود که عادت‌واره، در نظریه جامعه‌شناسی بوردیو، نظامی از «منش‌های بادوام و قابل انتقال، و همین طور ساختارهایی توانمند بر ساخته و سازنده است» (بوردیو ۹۹۱، ۴۳). از نظر بوردیو، مجموعه این منش‌ها و ساختارها باعث می‌شوند افراد عادت‌هایی شکل دهند که حاصل

1. Costa and Murphy
2. Field
3. Capital
4. Habitus
5. Susen & Turner
6. Generative Structuralism
7. Tan and Liu



اطاعت صرف از قوانین نیستند (بوردیو ۵۰۰۲، ۳۴). عادت‌واره ممکن است مدت‌ها، حتی در طول عمر یک فرد ادامه داشته باشد و تمایلات عمیقی را در افراد بوجود بیاورد و باعث شود افراد در موقعیت‌های خاص، کنش‌های مشخصی داشته باشند. از نظر بوردیو، عادت‌واره در نتیجه تجربیات شخصی افراد بدست می‌آید و از طریق اجتماع به افراد تلقین می‌شود. در مرحله بعد، عادت‌واره به گونه‌ای ماهیتی ثانویه برای افراد بوجود می‌آورد و نهایتاً رفتار عاملین را به صورت ناخودآگاه تنظیم می‌کند. بوردیو معتقد است که مفهوم عادت برای درک واقعی و کافی کنش انسانی بسیار مهم و ضروری است و بنابراین پاسخی منطقی به فعالیت‌های واقعی انسان است (بوردیو، ۶۹۹۱). بوردیو برای تحلیل جامعه‌شناختی آثار ادبی سه مرحله قائل است که عبارتند از: تحلیل جایگاه میدان ادبی در رابطه با میدان قدرت و بررسی سیر تکامل آن طی زمان، تحلیل ساختار داخلی میدان ادبی و نهایتاً تحلیل روند تکوین عادت‌واره عاملانی که جایگاه‌هایی در میدان ادبی به خود اختصاص داده‌اند. (فر ۱۱۰۲، ۱۶۲)

### ۳/۲. ترجمه و عادت‌واره

مقاله معروف سیمونی (۸۹۹۱) به جایگاه محوری عادت‌واره مترجم در تمامی اعمال مربوط به ترجمه می‌پردازد. این مقاله طی سال‌ها توانسته نظر بسیاری از محققین را به بررسی مفهوم عادت‌واره مترجم جلب کند. از ابتدای انتشار این مقاله، مطالعات تجربی مختلفی با استفاده از داده‌های گوناگون در مطالعات ترجمه انجام گرفته است و برخی از این مطالعات، تأثیر ماندگاری در مطالعات ترجمه داشته

اند (مثلاً، اینگیلری ۳۰۰۲؛ گوانیک ۵۰۰۲؛ سلا شفی ۵۰۰۲؛ میلارتنس ۸۰۰۲، وینووا و شلسینگر<sup>۲</sup>، ۳۱۰۲؛ اریس<sup>۷</sup>، ۹۱۰۲؛ مونزو نبوت<sup>۸</sup>، ۱۲۰۲)

سیمونی با الهام از عادت‌واره بوردیو، سعی داشت مفهوم عادت‌واره مترجم را پی‌ریزی کند. به نظر وی، اساساً عادت‌واره به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود. شاخه اول همان عادت‌واره اجتماعی است که آن را متعلق به تمامی عاملین اجتماعی می‌داند و البته اذعان می‌کند که مترجمان هم یکی از همین عاملین اجتماعی هستند. شاخه دوم را عادت‌واره حرفه‌ای تخصصی معرفی می‌کند که محدود به یک حوزه تخصصی خاص است (سیمونی ۸۹۹۱، ۸۱). سیمونی فقط به اشاره‌ای گذرا به ارتباط میان این دو شاخه اصلی عادت‌واره و چگونگی مرتبط بودن این دو به مترجم‌ها بسنده می‌کند. از نظر وی، مترجم شدن به معنای تغییر عادات اجتماعی به یک عادت خاص است» (سیمونی ۸۹۹۱، ۹۱). با این حال، سیمونی ویژگی‌های متمایز یا روابط بین این دو نوع عادت‌واره را به طور جداگانه و عمیق بررسی نکرده است. میلارتنس (۸۰۰۲) ایده دو نوع عادت‌واره مترجم را از سیمونی الهام گرفت و آن‌ها را به ترتیب عادت‌واره اولیه و حرفه‌ای نام‌گذاری کرد. از نظر وی، عادت‌واره اولیه اساسی‌ترین بخش عادت مترجم را تشکیل می‌دهد و شامل ساختارهای ذهنی و جسمی فرد است که در سال‌های اولیه اجتماعی‌شدن در قالب ساختارهای خانواده، طبقه اجتماعی و آموزش شکل می‌گیرد و برای تشخیص رفتار مناسب در موقعیت‌های واقعی

2. Inghilleri
3. Gouanvic
4. Sela-Sheffy
5. Meylaerts
6. Voinova & Shlesinger
7. Eris
8. Monzó-Nebot

1. Frere

اهمیت ویژه‌ای دارد. او ابتدا کار را با مفهوم عادت‌واره اولیه شروع کرد و تمرکز اصلی‌اش بر همین موضوع بود. در تحقیقات وی، تحلیل دقیقی از عادت‌واره حرفه‌ای مترجمان داده نشده است. با این حال، وی مطالعه‌ای موردی درباره مترجمان ادبی در بلژیک انجام داد؛ با اینکه در این مطالعه صراحتاً به هیچ کدام از عادت‌واره‌هایی که تعریف کرده بود، اشاره مشخصی نکرده، هر دو عادت‌واره اولیه و عادت‌واره حرفه‌ای را مد نظر قرار داده است. او در نتیجه‌گیری مطالعه‌اش اشاره کرد که «قابلیت انتقال تمایلات به دست آمده از طریق تجربیات معمول زندگی، و همین طور تجربیات مختص فرد در مقام مترجم می‌تواند نقش اساسی در تعریف عادت‌واره مترجم داشته باشد» (میلارترس ۸۰۰۲، ۵۱). پژوهشگران مطالعات ترجمه با در نظر گرفتن مفهوم عادت‌واره بورديو احتمالاتی را برای درک عادت‌های خاص مترجمان بررسی کرده‌اند. تمرکز پژوهشگران بر مسیرهای اجتماعی و فردی خاص مترجمان بوده تا بتوانند به درک و تفسیر درستی از کارها و فعالیت‌های مترجمان و به طور کلی رفتارهای ترجمه‌ای برسند. یکی از معدود پژوهش‌هایی که در ایران با تکیه بر مفهوم عادت‌واره، سعی شده فعالیت‌های مترجمان مطرح بررسی شود، پژوهش معاذاللهی و تجویدی (۷۹۳۱) است که به عادت‌واره چهار مترجم ادبی در دوره تاریخی ۰۲۳۱ تا ۵۴۳۱ پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که ایشان با ترجمه داستان کوتاه و رمان توانستند در دهه‌های ۰۲۳۱ و ۰۳۳۱ ساختار تولیدات ادبی ایران را متحول کنند و رئالیسم روسی و اگزیستانسیالیسم را در آثار نویسندگان ایرانی رواج دهند. خزاعی‌فر و فتح‌اللهی (۹۸۳۱) با دیدی متفاوت، به بررسی تأثیر ترجمه رمان‌های مدرن بر هنجار سبکی طول

جمله در رمان‌های فارسی می‌پردازند. با تحلیل سه رمان فارسی و سه رمان انگلیسی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین طول جملات در رمان‌های انگلیسی بیشتر از فارسی است و مترجمان ایرانی تمایل دارند جملات را به صورت کامل ترجمه کنند. همچنین، تأثیر ترجمه بر هنجار طول جمله در آثار تالیفی کمتر از آثار ترجمه‌ای بوده و عوامل مختلفی از جمله عادت‌واره مترجمان نیز در این تفاوت‌ها مؤثرند. در پژوهشی دیگر، فخارزاده و دب‌اغزاده دزفولی (۰۰۴۱) به بررسی سبک ترجمه‌ای صالح حسینی با تکیه بر مفهوم عادت‌واره بورديو پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که عادت‌های ترجمه‌ای این مترجم تحت تأثیر میدان‌ها و تجربیات زندگی‌اش شکل گرفته‌اند. با تحلیل دو کتاب و ترجمه‌های مربوطه ایشان، نویسندگان به این نتیجه رسیدند که ایشان به واژگان عربی و ادبی کهن، ساختارهای متنوع و برخی آرایه‌های ادبی گرایش دارند. در این پژوهش، یافته‌های یدست آمده از تحلیل عادت‌واره مترجم به شناسایی سبک خاص کهن‌گرایانه وی کمک کرده است.

## ۴/۲. ترجمه ادبی

در مطالعات ترجمه، موضوع ترجمه ادبی از زوایای مختلف و با توجه به دیدگاه‌های گوناگون بررسی شده است. در مطالعه حاضر، داده‌ها به مترجمانی محدود شده است که آثاری را از زبان خارجی به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. کار ترجمه به عوامل متعددی بستگی دارد که از آن جمله می‌توان به خود مترجم، اثری که ترجمه می‌شود و شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشوری که ترجمه در آن صورت می‌گیرد اشاره کرد. در ترجمه ادبی، اینکه چه کسی شروع

ویژه با ترجمه ادبیات مرتبط هستند، اما مسلماً کمتر به ترجمه متون فنی یا علمی ربط پیدا می کنند. تیموژکو<sup>۹</sup> (۱۲، ۴۱۰۲) نیز بر اهمیت ترجمه ادبی در مطالعات ترجمه تأکید می کند. از دیدگاه تیموژکو، مجموعه متون عظیم، چند زبانه و هزاران ساله ترجمه ادبی با زبان و سبک متنوع، موارد ایده آلی هستند که می توان نظریه های ترجمه را بر مبنای آن ها بنا نهاد. تیموژکو همچنین معتقد است با ترجمه ادبی است که می توانیم نشان دهیم عمل ترجمه اساساً جنبه فرهنگی دارد و نیازمند تفسیر شخص مترجم است تا اینکه کاری صرفاً مکانیکی باشد.

اکثر اطلاعات موجود درباره فرآیندهای ترجمه ادبی، از سخنان خود مترجمان در مورد فعالیت هایشان به دست آمده است. برای مثال، می توان به دیباچه کتاب های ترجمه شده اشاره کرد که البته اینها معمولاً مختص همان متن مورد نظر مترجم و البته اغلب فاقد پشتوانه نظری هستند و در آن ها از روش های جمع آوری داده نظام مند استفاده نمی شود. با این حال، آنگونه که فلین<sup>۱۰</sup> (۴۰۰۲) اشاره می کند، همین دیباچه هایی که مترجمان ادبی می نویسند به همراه مصاحبه هایی که با مترجمان شده می توانند اطلاعات ارزشمندی را در مورد راهکارهای مترجمان ادبی و روابط کاری آن ها با نویسندگان متن اصلی ارائه دهند.

### ۳. روش پژوهش

#### ۱/۳. شرکت کنندگان

در این مطالعه به منظور دستیابی به بینشی جدید از عادت واره مترجمان ادبی برجسته ایرانی از داده های کیفی اولیه و ثانویه استفاده شد. طرح تحقیق پژوهش

می کند و آیا پروژه موفق می شود، تحت تأثیر سرمایه و منابعی است که افراد اصلی دخیل در پروژه در اختیار دارند. در ترجمه ای ادبی ممکن است از سرمایه یا اعتبار نمادین نویسنده متن اصلی الهام گرفته شود (بورديو ۶۹۹۱)، اما نیاز به سرمایه اقتصادی (حمایت مالی) نهادی دیگر داشته باشد. پس از طی این مراحل، سرمایه افراد اصلی دخیل در پروژه نیز افزایش پیدا می کند. به عنوان مثال، هنگامی که آثار نویسنده ای ترجمه می شوند، اعتبارش در کشور خودش بیشتر می شود (کازانووا<sup>۱</sup> و براونلی<sup>۲</sup> ۱۲۰۲). در برخی مواقع در ترجمه ادبی، متون قدیمی تر را دوباره ترجمه می کنند - معمولاً به این دلیل که ترجمه قبلی از نظر زبانی یا سبکی قدیمی شده است یا هنجارهای فرهنگ مقصد تغییر کرده است (کادرا<sup>۳</sup> و والش<sup>۴</sup> ۲۲۰۲).

با این حال، در طی تاریخ و میان انواع مختلف ترجمه، ترجمه ادبی و ترجمه کتاب مقدس از مهم ترین انواع ترجمه به شمار می رفته اند. بحث های نظری در مورد ترجمه هم از این قاعده مستثنی نبوده، احتمالاً به این دلیل که در اکثر مواقع مترجم های ادبی بیشترین علاقه را به بحث در مورد نظریه های ترجمه نشان داده اند. همانطور که ویسبورت<sup>۵</sup> و آیستینسون<sup>۶</sup> (۶۷، ۶۰۰۲) اشاره می کنند، دوگانه هایی مانند ترجمه وفادار یا آزاد، ترجمه تحت اللفظی یا ارتباطی و ترجمه غرابت زد<sup>۷</sup> یا آشناساز<sup>۸</sup> که مکرراً در مطالعات ترجمه تکرار می شوند، بحث هایی هستند که به طور

1. Casanova
2. Brownlie
3. Cadera
4. Walsh
5. Weissbort
6. Eysteinsson
7. Domestication
8. Foreignization

9. Tymoczko  
10. Flynn

را منتشر کرده‌اند و شناخته‌شده بودن آن‌ها در حوزه نشر؛ ۳) اجماع صاحب‌نظران و جامعه مترجمان در مورد کیفیت ترجمه‌های چاپ شده؛ ۴) میزان تجدید چاپ این ترجمه‌ها و استقبال خوانندگان از ترجمه‌های چاپ شده؛ ۵) رعایت تنوع نسلی در مترجمان انتخاب شده به گونه‌ای که بازه حدود ۰۷ سال از مترجمان ادبی شناخته شده ایران را شامل شده است.

از نوع پدیدارشناختی<sup>۱</sup> است چرا که تمرکز روی گروه منتخب مترجمان، تجربیات، مشاهدات و احساسات آن‌ها است (دورنیه<sup>۲</sup> ۷۰۰۲). داده‌های اولیه از طریق مصاحبه‌های فرد به فرد، نیمه‌ساختاریافته<sup>۳</sup> و عمیق جمع‌آوری شد. طبق گفته‌های فیلان<sup>۴</sup> (۵۰۰۲) در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، موضوع اصلی تحقیقات از قبل مشخص است. با این حال، نحوه چینش سؤالات و شیوه پرسیدن هر کدام از سؤالات در مصاحبه‌ها از ساختاری انعطاف‌پذیر پیروی می‌کند که در آن روند جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع داده ادامه می‌یابد. داده‌های اصلی تحقیق حاضر از مصاحبه با ۲۱ مترجم برجسته ادبی در دوره زمانی تابستان ۶۹۳۱ تا پائیز ۷۹۳۱ جمع‌آوری شد (جدول ۱). در مورد داده‌های ثانویه، محققان ۰۳ مصاحبه گسترده با ۳۲ مترجم برجسته ادبی ایرانی (جدول ۲) و چهار کتاب از جمله زندگینامه یک مترجم و خاطرات سه نفر دیگر (جدول ۳) را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. مصاحبه‌های استفاده شده در دوره ۶۲ سال، از سال ۱۷۳۱ تا ۶۹۳۱ در دو فصلنامه مترجم (فصلنامه علمی و فرهنگی در حوزه نظریه و عمل ترجمه) و همچنین دوماهنامه بخارا (مجله فرهنگی هنری مربوط به ایران‌شناسی و ادبیات و هنر ایران و جهان) به همراه چند نشریه دیگر منتشر شده‌اند (جدول ۲). برای انتخاب این مترجمان برجسته و جامعه پژوهش، معیارهای زیر در نظر گرفته شد: ۱) بررسی ترجمه‌های منتشرشده این مترجمان در نشریات ایرانی تخصصی ادبیات و ترجمه از جمله بخارا و مترجم؛ ۲) جایگاه ناشرانی که این ترجمه‌ها

1. Phenomenology
2. Dornyei
3. Semi-structured
4. Fylan

## جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک مترجم‌های مصاحبه شده (داده‌های اولیه)

| مترجم          | جنسیت | سال تولد | تعداد ترجمه‌های ادبی چاپ شده |
|----------------|-------|----------|------------------------------|
| مترجم شماره ۱  | زن    | ۱۳۱۷     | ۲۵                           |
| مترجم شماره ۲  | مرد   | ۱۳۱۸     | ۱۹                           |
| مترجم شماره ۳  | زن    | ۱۳۲۳     | ۲۴                           |
| مترجم شماره ۴  | مرد   | ۱۳۲۴     | ۸۰                           |
| مترجم شماره ۵  | مرد   | ۱۳۲۵     | ۸۰                           |
| مترجم شماره ۶  | مرد   | ۱۳۳۲     | ۲۴                           |
| مترجم شماره ۷  | مرد   | ۱۳۳۹     | ۷۵                           |
| مترجم شماره ۸  | مرد   | ۱۳۴۷     | ۲۱                           |
| مترجم شماره ۹  | مرد   | ۱۳۵۳     | ۴۱                           |
| مترجم شماره ۱۰ | مرد   | ۱۳۵۴     | ۴۰                           |
| مترجم شماره ۱۱ | مرد   | ۱۳۵۶     | ۳۳                           |
| مترجم شماره ۱۲ | زن    | ۱۳۵۶     | ۲۷                           |

## جدول ۲. اطلاعات دموگرافیک مترجم‌های مصاحبه شده (داده‌های ثانویه)

| مترجم          | جنسیت | تاریخ تولد | تاریخ وفات | تعداد ترجمه‌های ادبی چاپ شده | زمان و محل مصاحبه‌ها                        |
|----------------|-------|------------|------------|------------------------------|---------------------------------------------|
| مترجم شماره ۱  | مرد   | ۱۲۹۲       | ۱۳۷۷       | ۶۳                           | ۱۳۷۲ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۲  | مرد   | ۱۳۰۵       | ۱۳۸۸       | ۳۵                           | ۱۳۷۸ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۳  | مرد   | ۱۳۰۸       | ۱۳۹۹       | ۳۶                           | ۱۳۹۳ / بخارا                                |
| مترجم شماره ۴  | مرد   | ۱۳۰۹       | ۱۳۸۴       | ۵۲                           | ۱۳۷۳ / مترجم<br>۱۳۸۰ / بخارا                |
| مترجم شماره ۵  | مرد   | ۱۳۱۲       | ---        | ۴۶                           | ۱۳۸۱ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۶  | مرد   | ۱۳۱۳       |            | ۲۲                           | ۱۳۷۵ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۷  | مرد   | ۱۳۱۴       |            | ۴۴                           | ۱۳۷۳ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۸  | زن    | ۱۳۱۷       |            | ۲۵                           | ۱۳۹۶ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۹  | مرد   | ۱۳۱۸       |            | ۱۹                           | ۱۳۸۱ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۱۰ | زن    | ۱۳۲۱       |            | ۱۶                           | ۱۳۷۹ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۱۱ | مرد   | ۱۳۲۱       | ۱۳۷۴       | ۶۳                           | ۱۳۷۱ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۱۲ | زن    | ۳۲۳۱       |            | ۲۴                           | ۱۳۸۶ / مترجم<br>۱۳۹۶ / مترجم                |
| مترجم شماره ۱۳ | مرد   | ۱۳۲۳       | ۱۳۸۸       | ۲۱                           | ۱۳۸۵ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۱۴ | مرد   | ۱۳۲۴       |            | ۲۸                           | ۱۳۸۴ / مترجم<br>۱۳۷۱ / مترجم                |
| مترجم شماره ۱۵ | مرد   | ۱۳۲۴       |            | ۸۰                           | ۱۳۹۷ / مترجم<br>۱۳۹۶ / رادیو فردا           |
| مترجم شماره ۱۶ | مرد   | ۱۳۲۵       |            | ۸۰                           | ۱۳۷۱ / مترجم<br>۱۳۹۵ / مترجم<br>۱۳۹۶ / آزما |
| مترجم شماره ۱۷ | مرد   | ۱۳۲۵       |            | ۱۷                           | ۱۳۷۰ / مترجم<br>۱۳۷۸ / مترجم                |
| مترجم شماره ۱۸ | مرد   | ۱۳۳۴       |            | ۱۲۰                          | ۱۳۷۶ / مترجم                                |
| مترجم شماره ۱۹ | درم   | ۱۳۳۵       |            | ۲۰                           | ۱۳۹۴ / مترجم                                |

|                |     |      |      |    |              |
|----------------|-----|------|------|----|--------------|
| مترجم شماره ۲۰ | مرد | ۱۳۳۵ | ۱۳۹۶ | ۲۳ | ۱۳۸۸ / مترجم |
| مترجم شماره ۲۱ | مرد | ۱۳۴۷ |      | ۲۱ | ۱۳۹۳ / مترجم |
| مترجم شماره ۲۲ | مرد | ۱۳۵۳ |      | ۳۲ | ۱۳۸۶ / مترجم |
| مترجم شماره ۲۳ | مرد | ۱۳۵۴ |      | ۲۸ | ۵۹۳۱ / مترجم |

جدول ۳. اطلاعات کتاب‌های مورد استفاده (داده‌های ثانویه)

| عنوان کتاب                     | گفتگو با / شرح حال | نشر     | سال  | تعداد صفحه |
|--------------------------------|--------------------|---------|------|------------|
| تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران | مترجم شماره ۱۲     | ثالث    | ۱۳۹۲ | ۱۲۸        |
| تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران | مترجم شماره ۱۶     | ثالث    | ۱۳۹۵ | ۲۴۸        |
| گفت و گو با نجف دریابندری      | نجف دریابندری      | مروارید | ۱۳۸۸ | ۳۵۲        |
| گفت و گو با مترجمان            | گروه مترجمان       | آگاه    | ۱۳۸۸ | ۱۶۰        |
| خاطرات یک مترجم                | محمد قاضی          | کارنامه | ۱۳۷۱ | ۰۳۴        |

## ۳/۲. ابزار پژوهش

در قسمت اول سئوالات مصاحبه‌ها، تمرکز پژوهشگران بر بررسی پیش‌زمینه و محیط خانوادگی این مترجمان منعطف بود. سعی بر این بود که طبقه اجتماعی خانواده این مترجمان، سطح علاقه به مطالعه و به طور ویژه علاقه به ادبیات در خانواده، وجود عامل مشوق در محیط مدرسه و خانواده برای سوق دادن این مترجمان به ادبیات بررسی شود. تاثیر انگیزه‌های اولیه علاقه به ادبیات در ایجاد استمرار و کیفیت کار مترجمان، میزان مطالعه مجلات مختلف ادبی و فرهنگی و نحوه پیگیری جریان معاصر ادبیات جهان از سوی مترجمان، موارد دیگری بودند که پس از سئوالات اولیه از مترجمان پرسیده شد. در بخش بعدی به سراغ تجربه مترجمان از اولین ترجمه چاپ شده‌شان رفتیم. آنچه برای پژوهشگران اهمیت داشت، این بود که آیا خود مترجمان کتاب را انتخاب کرده‌اند یا خیر و اگر خودشان انتخاب کرده‌اند، چه

معیارهایی برای انتخاب کتاب داشته‌اند. بخش مهم دیگری از پرسش‌نامه به محافل و فرقه‌هایی که این مترجمان چه در سال‌های جوانی و چه بعدتر در آن‌ها شرکت می‌کردند، اختصاص داشت. برای پژوهشگران مهم بود بدانند هر کدام از مترجمان خودشان را وابسته به چه گرایش‌های فکری می‌دانند، از مدافعان کدام مکاتب فکری هستند و با کدام فرقه‌ها احتمالاً ناسازگار هستند. پس از بررسی گرایش‌ها، نوبت به عکس‌العمل مترجمان در مواجهه با موقعیت‌های مختلف می‌رسید (برای مثال، در مواجهه با کودکان کار و افراد معتاد به مواد مخدر). در همین راستا، از مترجمان خواستیم بهترین و بدترین اتفاق زندگی خود را بازگو کنند و صحنه‌ای از کتاب مورد علاقه‌شان که بسیار تحت تاثیر قرارشان داده را توصیف کنند. نهایتاً، در قسمت پایانی مصاحبه از مترجمان خواستیم از علائقشان صحبت کنند. شاید بتوان گفت این قسمت از مصاحبه، کمترین ساختار از پیش



تعیین شده را داشت و پژوهشگر با توجه به پاسخ‌های مترجمان، سئوالات بعدی را مطرح میکرد. تمامی مصاحبه‌ها با سئوالاتی از قبیل اینکه برای رهایی از رنج‌های زندگی چه راه‌حلی دارند، آنچه باعث می‌شود دنیا را زیباتر ببینند چیست و در یک کلام حال خوبشان به چه گره خورده، به اتمام می‌رسید.

### ۳/۳. تحلیل داده‌ها

به منظور تایید اعتبار تحقیق حاضر، معیارهای اعتبارسنجی لینکلن و گوبا<sup>۱</sup> (۵۸۹۱) در تحقیقات کیفی در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از جمله قابلیت اعتبار<sup>۲</sup>، قابلیت انتقال<sup>۳</sup>، قابلیت اطمینان<sup>۴</sup> و قابلیت تأیید<sup>۵</sup> اعمال شد. قابلیت اعتبار، درجه حقیقی بودن یافته‌های مطالعه و واقعیت اجتماعی شرکت‌کنندگان پژوهش را نشان می‌دهد. بدین منظور، از روش بازبینی همکار<sup>۶</sup> استفاده شد و برخی از پاسخ‌های مترجمان به سئوالات با دو پژوهشگر مطالعات ترجمه در میان گذاشته شد و از این دو پژوهشگر خواسته شد تا برخی از داده‌های بدست آمده را کدگذاری کنند. این پژوهشگران همچنین در مورد نحوه انجام تجزیه و تحلیل بازخورد دادند. منظور از قابلیت انتقال، قابلیت تعمیم یافته‌های مطالعه به موقعیت‌های دیگر است. در پژوهش حاضر، به منظور اعمال قابلیت انتقال، پژوهشگران از تکنیک توصیف پرمایه<sup>۷</sup> استفاده کردند. در این تکنیک تلاش می‌شود تا توصیف‌های پرمایه و عمیق از موقعیت‌ها، شرایط و تجربه‌های شرکت‌کنندگان ارائه شود. در این پژوهش،

با توجه به نیمه‌ساختار بودن مصاحبه‌ها سعی بر این بود که شرح با جزئیات و دقیقی از زمینه خانوادگی و فرهنگی مترجمان، گرایش‌های آن‌ها، سبک زندگی و ترجیحات آن‌ها گرفته شود و جملات کلیدی و نمونه‌های روایت‌محور از زبان خود مترجمان در پژوهش ذکر شود. برای بخش قابلیت اطمینان، یک همکار با تخصص مطالعات ترجمه، مستندات اظهارنظرهای مترجمان و همچنین شیوه کدگذاری داده‌ها را بررسی کرد. از ایشان خواسته شد تا مسیر کدگذاری را دنبال کنند و تطابق مفاهیم نهایی با داده‌ها را بررسی کند. نهایتاً، برای قسمت قابلیت تأیید، از تکنیک بازاندیشی پژوهشگر<sup>۸</sup> استفاده شد. در این تکنیک، خود پژوهشگر آگاهانه تأثیرات پیش‌فرض‌ها، سوابق شخصی، ارزش‌ها و نقطه‌نظرهای شخصی را بر فرایند پژوهش شناسایی و به صورت مستند ارائه می‌کند. طی این مطالعه، از آنجائی که خود پژوهشگران نیز سابقه فعالیت در زمینه ترجمه ادبی و آشنایی نزدیکی با فضای ترجمه در ایران داشتند، به منظور کاهش تأثیر پیش‌فرض‌ها بر تحلیل داده‌ها، یادداشت‌های بازاندیشانه‌ای در طول مراحل کدگذاری و تحلیل نوشته شد و تلاش شد تحلیل‌ها تا حد ممکن بر اساس داده‌ها و نه پیش‌فرض‌ها صورت گیرد.

با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال بررسی درونیات مترجمان بوده و تأکید ویژه‌ای بر واقعیت‌های زندگی مترجمان برجسته دارد، پژوهشگران از روش نظریه داده‌بنیاد<sup>۹</sup> استفاده کردند و با استفاده از این روش، تلاش بر این بود که آنچه در زندگی شرکت‌کنندگان رخ داده، مفهوم سازی شود (گلسر و استراوس<sup>۱۰</sup> ۷۶۹۱). نظریه داده بنیاد در تحقیقات

8. Reflexivity  
9. Grounded theory  
10. Glaser & Strauss

1. Lincoln and Guba  
2. Credibility  
3. Transferability  
4. Dependability  
5. Confirmability  
6. Peer-debriefing  
7. Thick description

#### ۴/۱. فرهنگی بودن خانواده

یکی از مفاهیم اصلی بدست آمده از مصاحبه‌ها و همچنین داده‌های ثانویه، فرهنگی بودن خانواده یا وجود گرایش‌های عمیق فرهنگی در خانواده و افراد درجه یک مترجمان بود. نکته کلیدی که از اکثریت مصاحبه‌ها دریافت شد، تعلق داشتن مترجمان به طبقه فرهنگیان جامعه است. یعنی یا پدر و مادر مترجم یا خودشان از شاغلان وزارت آموزش و پرورش بوده‌اند که اگر چه شاید طی سالیان اخیر، این شاخص در جامعه ایران اهمیت خود را از دست داده باشد، اما در دهه‌های قبل و سال‌های جوانی اکثر مترجم‌های انتخاب شده، شاخص مهم و معناداری محسوب می‌شد.

#### ۴/۱/۱. سطح سواد خانواده

پس از بررسی پیشینه خانوادگی این مترجم‌ها مشخص شد که تمام این مترجمان به‌جز دو مورد پدر و مادری باسواد داشته‌اند. تنها استثنا یکی از مترجمین است که به گفته خودشان با اینکه والدین سواد نداشتند اما به‌خاطر سختی‌هایی که پدر و مادر به‌دلیل بی‌سوادی کشیده بودند، تمام تلاششان بر این بوده که فرزندانشان باسواد شوند و دائم پیگیر تحصیلات فرزندانشان بوده‌اند. سطح سواد خانواده یکی از زیرمجموعه‌هایی است که در اکثر مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است. برای مثال، در این باره مترجم شماره ۵۱ از داده‌های ثانویه چنین اظهار داشته‌اند: «خانواده من از طبقه متوسط بود، البته متوسط باسواد، یعنی می‌توانستند علاوه بر شرایط تحصیلی مناسب در تهران تا حد زیادی رفاه و تفریحات ما را هم تأمین کند». اظهارات مترجم شماره ۱۲ داده‌های ثانویه نیز در همین راستا حاکی از پررنگ بودن عنصر

کیفی برای توصیف و توضیح پدیده‌ای معین یا نحوه عملکرد آن استفاده می‌شود. این نظریه مستلزم بررسی داده‌های جمع‌آوری شده، درک مفاهیم و برچسب‌گذاری آن‌ها با کدهایی از جمله کدگذاری باز<sup>۱</sup>، کدگذاری محوری<sup>۲</sup> و کدگذاری انتخابی<sup>۳</sup> است، سپس کدهای به‌دست‌آمده به مفاهیم متفاوت دسته‌بندی می‌شوند و در مرحله بعد، این مفاهیم به دسته‌های بزرگتر طبقه‌بندی می‌شوند. در حین بررسی داده‌های جمع‌آوری شده، پژوهشگر به تدریج به دیدگاه‌ها یا مفاهیمی که گمان می‌رود از داده‌ها نشأت می‌گیرد، پی می‌برد و در مرحله بعد آن‌ها را کدگذاری می‌کند. با جمع‌آوری و بررسی مجدد داده‌های بیشتر، کدها را می‌توان در مفاهیم سطح بالاتر و سپس دسته‌های بزرگتر طبقه‌بندی کرد. نهایتاً این طبقه‌بندی‌ها مبنای یک فرضیه یا یک نظریه جدید می‌شوند.

#### ۴. یافته‌ها

با اذعان به این مسئله که پژوهش حاضر تلاشی در راستای پی بردن به عادت‌واره‌های مترجمان برجسته ایرانی است و در تمامی مصاحبه‌ها، تلاش پژوهشگران بر عمیق شدن در زندگی جامعه مترجمان بوده است، از روش‌های کمی استفاده نشده و کاوش در عادات و منش زندگی مترجمان صرفاً با تکیه بر روش داده‌بنیاد انجام شده است. نهایتاً پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، سه موضوع کلی از تمامی داده‌های اولیه و ثانویه استخراج شد و برای هر کدام، زیرمجموعه‌هایی در نظر گرفته شد.

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding

سواد و کتابخوانی در خانواده است: «مادر من دبیر بود و آدمی فرهنگی بود. پدرم هم کارش فنی بود. ولی خب هر دو کتابخوان بودند». مترجم شماره ۶ در اظهاراتی مشابه به زندگی کارمندی و کتابخوانی خانواده‌شان اشاره کردند: «پدر من کارمند دارایی بود و خانواده‌ای از طبقه متوسط بودیم. من در چنین خانواده‌ای بزرگ شدم. اما به نظرم آنچه خانواده ما را از آشنایان متمایز می‌کرد، تأکید پدر به داشتن اطلاعات و به‌روز بودن بود. پدر می‌خواست بچه‌ها از همه چیز سر در بیاورند. ورود به دانشگاه برایش بسیار بااهمیت بود که البته مادر هم از پدر تأثیر گرفته بود و سال‌های آخر دبیرستان هر کدام از ما بچه‌ها، محیط خانواده رنگ دیگری می‌گرفت. تلاش‌ها می‌شد که همه‌مان تحصیلات دانشگاهی داشته باشیم».

#### ۴/۱/۲. مطالعه و انس با ادبیات فارسی

پیش‌فرض پژوهشگران در این مورد این بود که مترجمان برجسته ادبی علاقه ویژه‌ای به ادبیات فارسی داشته‌اند و مطالعات عمیقی در این زمینه انجام داده‌اند. همین امر موجب تقویت نثر فارسی آن‌ها در ترجمه شده است. این پیش‌فرض یکی از بارزترین دسته‌بندی‌ها را در همان هنگام انجام مصاحبه‌ها به پژوهشگران نشان داد به گونه‌ای که همه دوازده مترجم مرتبط با داده‌های اولیه (۲۱ از ۲۱) به عامل علاقه به ادبیات و مطالعه اشاره کردند. برای مثال، مترجم شماره ۸ در داده‌های اولیه در جایی از سخنان خود اظهار داشت که «کم‌وبیش بیشتر شاهکارهای ادب فارسی را تا آن زمان خوانده بودم یا در موردشان اطلاعات نسبتاً درست و درمانی داشتم. کتاب‌ها را یا از کتابخانه امانت می‌گرفتم یا با پول توجیبی‌هایی که جمع می‌کردم، کتاب‌هایی می‌خریدم». مترجم شماره

۳ در داده‌های اولیه به تأثیر تأکید والدین بر مطالعه ادبیات به‌طور مستقیم اشاره کردند: «خانواده‌ام تأکید زیادی بر خواندن ادبیات کلاسیک فارسی داشتند و به همین خاطر، مطالعه ادبیات کلاسیک فارسی را خیلی زود شروع کردم. یادم می‌آید بوستان سعدی را در دوره دبستان خواندم. اصلاً خیلی از کتاب‌های کلاسیک ادب فارسی را در همان سال‌های دبستان خواندم تا جایی که الان فکر می‌کنم برای خواندن آن کتاب‌ها آن سن زیادی زود بود. بعدها در مورد بچه‌های خودم سعی کردم این کار را انجام ندهم. آخر بچه دبستانی را چه به ادبیات کلاسیک!». اظهارات مترجم شماره ۵ در حین مصاحبه‌ها نیز صراحتاً به عشق به زبان فارسی اشاره دارد: «من متأسفانه دیر به آموختن زبان پرداختم. یعنی بعد از پایان خدمت نظام. یک سالی هم برای همین کار به انگلستان رفتم که خیلی مؤثر بود. دلیل این تاخیر هم فکر می‌کنم عشق من به فارسی بود یعنی مطالعه به زبان فارسی وقت زیادی برایم نمی‌گذاشت». همین مترجم در یکی از مصاحبه‌های مربوط به داده‌های ثانویه (مترجم شماره ۶۱) به آشنائی با شعر فارسی اشاره کرده است: «من خواندن را با شعر کلاسیک خودمان شروع کردم و هنوز هم دارم می‌خوانم. با نثر قدیم دیرتر آشنا شدم اما در مورد شعر می‌توانم بگویم تا سن بیست سالگی تمام شاعران نامدار و حتی درجه دو را خوانده بودم. اصلاً زندگی من با شعر آمیخته بود علاوه بر شعر کلاسیک شعر مشروطه را هم خوانده بودم».

#### ۴/۲. رویکرد اعتراضی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی

یکی دیگر از مفاهیم بدست آمده از داده‌های اولیه و ثانویه و مخصوصاً کتاب‌های بررسی شده، میل به

و ۰۴۳۱ در ایران مشغول به کار بوده‌اند و احتمالاً تحت تاثیر گرایش‌های فکری آن زمان قرار گرفته‌اند، به مبارزه با ظلم و تأکید بر برابری اشاره خواهند کرد.

#### ۴/۲/۱. عدالت‌خواهی

یکی از مفاهیم اصلی به‌دست آمده در تحقیق حاضر، گرایش‌های شدید به مسئله عدالت و برابری در شرکت‌کنندگان بود. منظور پژوهشگران از عدالت‌محوری به‌طور عام، تمام مواضعی را شامل می‌شد که افراد خواهان ایجاد برابری در توزیع قدرت و ثروت بودند. میل به تساوی حقوق و رنج بردن از شکاف‌های طبقاتی در دیدگاه اکثریت مشارکت‌کنندگان مشاهده شد. اغلب آن‌ها در آرزوی جامعه‌ای عاری از فساد و تبهکاری با رژیم سلطنتی مبارزه کرده بودند و خواستار ایجاد تحول به نفع عموم مردم بودند. از مصادیق آن‌ها می‌توان به اظهارات شرکت‌کننده شماره ۴ در داده‌های اولیه اشاره کرد: «شاگردان مغازه پدرم به ما می‌گفتند ارباب پسر (خنده). من با همان سن و سال کم هم از این فاصله که بین من و آن‌ها ایجاد شده بود بدم می‌آمد. رابطه‌ام با آن‌ها بسیار دوستانه بود». همین مترجم، در جای دیگری از سخنان خود چنین اظهار نظری داشته: «الان که به گذشته نگاه می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که حرکات دن‌کیشوت‌وارانه داشته‌ام. یعنی خوشبینی بیش از حد، که میشود سلطنت را برانداخت و طرحی نو درانداخت. ولی حالا می‌بینم که اصولاً بازی‌های سیاسی با روحیه من سازگاری ندارد». بخشی از صحبت‌های مترجم شماره ۶۱ در کتاب مورد بررسی نیز در این رابطه جالب به نظر می‌رسد: «از تصویرهایی که به یادم مانده، دهاتی‌هایی بودند که ناهار را در مغازه‌های اطراف می‌خوردند. آن هم با

اعتراض و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی در مترجمان بود. برای مثال، در یکی از مصاحبه‌ها مترجم شماره ۲۱ چنین اظهار نظری داشت: «من یک شخصیت ناراضی راضی هستم. یعنی از هیچی در جهان راضی نیستم. به همه چیز اعتراض می‌کنم. حتی چرا اینجا به دنیا آمده‌ام، چرا خانواده‌ام اینطور هستند، چرا خودم اینم، مدت‌ها مسئله‌ام این بود که چرا دخترم، چرا اسمم اینه. چرا رفتم رشته ریاضی، چرا فلان جا، فلان کار را نکردم.» و همین‌طور، اظهارات مترجم شماره ۳ به همین موضوع مرتبط است: «تسلیم بودن زیاده از حد مادرم و استبداد پدرم، مرا بسیار رنج می‌داد. به خصوص در دوران بلوغ که حساس‌تر از همیشه بودم، حسابی پوستم را کند! مادرم بدجوری تسلیم نظریات پدرم بود. جیکش در نمی‌آمد و این مرا بسیار آزار می‌داد. زیادی فداکار بود. حقی برای خودش قائل نبود. اول پدر، بعد ما بچه‌ها. نمی‌دانم. همیشه از خودم می‌پرسیدم چرا؟ این را دوست نداشتم. مبارزه با استبداد از همان محیط خانوادگی در وجودم ریشه کرده بود». در همین راستا، این مترجمان نظرات اعتراضی‌شان را با حمایت همه‌جانبه از توزیع برابر قدرت و ثروت در جامعه نشان می‌دادند. در اکثر مصاحبه‌ها نیز هنگامی که از ایشان خواسته می‌شد که دنیای آرمانی‌شان را توصیف کنند، از جهانی با عدالت اجتماعی و اقتصادی سخن می‌گفتند. ایشان اغلب بر تقابل با سلسله‌مراتب اقتصادی تأکید می‌کردند و با رویکردهای اصلاح‌طلبانه مواضع سرمایه‌داری ستیزی را به‌طور برجسته رد می‌کردند. تمامی این ایده‌ها را پژوهشگران به دو دسته عدالت‌خواهی و ایده‌های مارکسیستی تقسیم‌بندی کردند. از ابتدا حدس مترجمان این بود که چون اکثر مترجمانی که با آن‌ها مصاحبه انجام می‌گرفت، در دهه ۰۳۳۱

برف و سکنجبین یا یخ و سکنجبین که گاهی با شربت آلبالو قاطی می‌شد این تصاویر همراه با حرف‌هایی که می‌زدند، کم‌کم مرا به تفکر وا می‌داشت. از خودم می‌پرسیدم که چرا وضع این‌طور است؟ چرا یک عده ندارند و یک عده دارند؟ می‌دیدم که در همان شهر کوچک، بعضی‌ها در خانه‌های اعیانی بزرگ زندگی می‌کنند و زندگانی آنچنانی دارند و در مقابل عده‌ای به قول معروف دستشان به دهنشان نمی‌رسد. خب، همه اینها در ذهنم تاثیر می‌گذشت و به اصطلاح یک علامت سؤال بزرگ توی ذهنم شکل می‌داد. بعد کم‌کم به دنبال مسبب گشتم. زندگی مرفه زمین‌داران و ارباب‌ها هم بیشتر مرا با کم و کیف قضیه آشنا کرد.

#### ۲/۲/۴. افکار مارکسیستی

در سخنان مترجمان، تأکید ویژه‌ای بر انترناسیونالیسم و مبارزه با سودجویی سرمایه‌داری مشاهده شد. اکثر مترجمانی که در مصاحبه شرکت کردند یا مصاحبه‌های قبلی‌شان در طی مراحل کدگذاری مورد بررسی قرار گرفت، فعالیت‌هایشان پس از روی کار آمدن پهلوی دوم و باز شدن نسبی فضای سیاسی اجتماعی حاکم بر میدان تولید آثار ادبی و نفوذ حزب توده و افکار مارکسیستی و رئالیسم روسی شکل گرفته بود. در طی مصاحبه‌ها، همان‌گونه که پیشتر هم اشاره شد، مترجمان به آرمان جامعه بدون طبقه و فضایل جامعه یک‌دست اشاره می‌کردند. اظهارات مترجم شماره ۷ مستقیماً به نفوذ افکار مارکسیستی اشاره دارد: «بیشترین توجه‌ام که ریشه در زمان کودکی هم دارد، مسئله عدالت اجتماعی بود، یا آنطور که الان نگاه می‌کنم، جنبه سوسیالیستی قضیه برایم جذابیت داشت. این بود که جزوات مارکسیستی و رمان‌هایی مثل *دانشکده‌های*

من یا مادر از گورکی یا چگونه فولاد/آبدیده شد از نیکلاس آستروفسکی و غیره را می‌خواندم. طبقه کارگر و اساس مارکسیسم یعنی دیکتاتوری پرولتارا برایم مقدس شده بودند. فکر می‌کردم اگر کتابی که ترجمه می‌کنم در این راستا نباشد، به جامعه ظلم کرده‌ام.» به همین ترتیب، مترجم شماره ۴ در جایی از سخنان‌شان از انگیزه‌شان برای ترجمه یکی از رمان‌ها این‌گونه گفته‌اند: «در مورد کتاب *زندگی، جنگ و دیگر هیچ*، در یک مجله فرانسوی نقدی بر این کتاب که تازه در فرانسه درآمده بود، خواندم و چون حرفه خبرنگاری را دوست داشتم و ضد سیاست آمریکا هم بودم که البته هنوز هم هستم و با مردم ویتنام هم یک احساس همدلی میکردم، کتاب را خریدم و بلافاصله ترجمه کردم».

#### ۳/۴. سیر در گذشته

یکی دیگر از موضوعاتی که در مصاحبه‌ها و همچنین داده‌های ثانویه به دفعات تکرار می‌شد و در ششمین مصاحبه به اشباع رسید، نگاه مترجمان به گذشته، ستایش زمان‌های دور و حسرت روزهای از دست رفته بود. این موضوع به دو مقوله نوستالژیک بودن و سنتی بودن تقسیم‌بندی شد.

#### ۱/۳/۴. نوستالژیک بودن

تقریباً در خلال تمامی مصاحبه‌ها، مترجم‌ها به الهام از گذشته اشاره می‌کردند. در مواردی وقتی از قدیم‌ها می‌گفتند، بسیار احساساتی می‌شدند. برای مثال مترجم شماره ۷ در پاسخ به این سؤال که معمولاً چه اتفاقاتی باعث حال خوبشان می‌شود، چنین پاسخی دادند: «همین مصاحبه‌ای که شما با من انجام دادید و من را برگرداندید به دوران کودکی‌ام

اشکم را درآورد و موقع خواندن دوباره... خیلی عجیب است. آن بخشی که پسر روبه روی دستگاه مونتاژ فیلم نشسته و فیلم به عقب برمی گردد و پسر هم به یاد زندگی گذشته اش می افتد... درست مثل همین روزهایی که شماها می آئید با من حرف می زنید. خیلی روی من فشار می آورد. حرف زدن از گذشته ها با آن که برایم سرتاسر لذت است باز یک جور فشار روحی است».

### ۲/۳/۴. سنتی بودن

یکی دیگر از مفاهیم بدست آمده از مصاحبه های انجام گرفته، تأکید مترجمان بر سنت و بیگانگی با مظاهر مدرنیته بود. مفاهیمی چون لذت بردن از قدم زدن در محله های قدیمی شهر، علاقه به موسیقی سنتی، علاقه به مطالعه تاریخ، مقاومت در برابر یک شکل شدن افراد/ مسائل، پندهای گذشتگان را بسیار مثرتر تلقی کردن پاره ای از مسائلی بود که مترجمان به آن ها اشاره می کردند. مترجم شماره ۱۰ با آنکه نسبتاً جزء مترجمان جوان مصاحبه ها به شمار می رود، در جایی از سخنان خود چنین اظهارنظری داشتند: «واقعاً دوست دارم همان قدیمی ها را داشته باشم. من خیلی در برابر چیزهای جدید واکنش دارم. به شدت کلاسیک هستم. همان چیزهایی که بهش عادت کردم. در موسیقی، در غذا، در لباس. همه چی حتی در انتخاب اثر برای ترجمه. خیلی سخته برایم. ترجیح می دهم در همان ژانرهای آشنا بمانم. این مسئله حتی در ادبیات صرفاً برای مطالعه هم صدق می کند». مترجم شماره ۴ در تأیید بیگانگی با تکنولوژی گفتند: «شاید برایتان جالب باشد که من هنوز هم از شیوه قلم و کاغذ دفتر استفاده می کنم. برای هر ترجمه ام حدود ۰۳،۰۲ مداد تراشیده

خیلی خوشحال کننده بود. لذتی که از یادآوری آن دوران می برم را هیچ لذت امروزی ای برایم نمی آورد. بی تعارف می گویم. چیزهای مادی من را خوشحال نمی کند. چرا. در حد خیلی نرمالی. اما آن شادی های عمیقی که مدنظر شماست، چیزهایی است که اصلاً مادی نیست. مال این دوران هم نیست. سال های کودکی، سال های جوانی. زندگی مال آن دوران بود». به همین ترتیب، اظهارات مترجم شماره ۵ از جزئیاتی که از خانه پدری به یادش مانده و با لذت بسیار از آن سال ها سخن می گوید، نشان از عرق به گذشته و سیر در سال های دور داشت: «سال ها است خانه پدری فروخته شده و من دیگر داخلش را ندیده ام. از حسرت هایم این است که یک بار دیگر آنجا را ببینم. این خانه در حدود چهارصد متر وسعت داشت. بخشی از آن قدیمی بود و بیشتر مصالحش از چوب نژاد روسی قدیمی که سال ها بعد رنگ شده بود. چه لذت ها که اکنون محروم شده ایم». در همین رابطه، مترجم شماره ۱ اظهار می کند «خودم را در زمره انسان های قویاً نوستالژیک قرار می دهم. نمی دانید چه حالی می شوم وقتی به محله قدیمی مان می روم. شکل و شمایل عوض شده. آشپزخانه ای که رو به کوچه بود و پر بود از عطر و بوی مادر، الان اتاق شده. این ها را می گویم چون به آن خانه سر می زنم. درد دارد و شیرین هم هست؛ دقیقاً مثل همان چوب کبریت که وقتی دندانست سوراخ است، هم درد دارد و هم لذت. گذشته ها حالم را خوب می کند». مترجم شماره ۴ نیز در حالی که بسیار احساساتی شده بودند، به خاطره ای از ترجمه یکی از کتاب ها اشاره کردند: «یادم می آید به هنگام ترجمه کتاب زندگی در پیش رو چقدر احساساتی می شدم. اما یک صحنه در کتاب هست که موقع ترجمه اشکم را درآورد، موقع پاکنویس



می شود و ۴،۳ دفتر سیاه می شوند. به شخصه ظلم ها کرده ام به جنگل هایمان. تا بخواهید با تکنولوژی غریبه هستم. قبلاً دخترم آموزش داد که نوشته هایم را روی کامپیوتر بیاورم اما حس و حال قلم و دفتر چیزی ست که در روحم تنیده. به دختر و پسرهایم می گویم شما که نمی دانید چه لذتی در این فشار قلم بر روی کاغذهای دفترهایم هست. این سال ها دیگر امیدشان را از دست داده اند و کسی در خانه کاری به کار این متحجر بودن ما ندارد (لبخند)».

## ۵. نتیجه گیری

یکی از کاستی های جامعه مترجمان ادبی ایران در حال حاضر مساله ضعف مترجمان و به طور بخصوص مترجمان جوان در زمینه فارسی نویسی است. اغلب فارغ التحصیلان رشته ترجمه تصور می کنند چون فارغ التحصیل این رشته هستند می توانند هر اثر ادبی را ترجمه کنند (خزاعی فر ۵۹۳۱). البته، طی سالیان اخیر این مقوله حتی به افرادی که در رشته ترجمه هم تحصیل نکرده اند، تسری پیدا کرده است. صورت مساله از نظر ایشان بسیار ساده است. تسلط نسبی ای به زبان مبدا دارند و قرار است به زبان مادری یا رسمی کشورشان ترجمه کنند. پس به نظر نمی آید مانعی بر سر کارشان وجود داشته باشد. نکته ای که از دید این افراد پوشیده مانده این است که عامل رشد در محیط فارسی زبان، تنها یکی از عوامل موثر در توانایی نگارش هر فرد است. اتفاقاً، شاید بتوان گفت مهمترین عامل در این زمینه، میزان مطالعه فرد در ادبیات زبان مقصد است (کوثری ۵۹۳۱). از دیرباز، مطالعه توأمان ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر از عناصر بسیار مهم در رشد توانایی نگارش افراد قلمداد شده است (شادمان، خوش سلیقه و

پیشقدم ۹۱۰۲). مترجمان ما هنگام مواجهه با یک متن کلاسیک خارجی، به واسطه مطالعه متون کهن ادبیات فارسی، می توانند واژگانی را برگزینند و سبک و سیاقی را انتخاب کنند که تا حد امکان معادل اثر ادبی خارجی باشد. نه اینکه متأسفانه مانند بسیاری از ترجمه های امروزی باشد که رنگ و بو و سبک متون ادبی در آن ها به چشم نمی خورد و بیشتر به مانند نثر روزنامه ها و مطبوعات به نگارش درآمده اند (خزاعی فر ۲۹۳۱). پژوهش حاضر با تکیه بر روش داده بنیاد و مصاحبه های عمیق و نیمه ساختاریافته در پی یافتن عادت واره جامعه مترجمان ادبی ایران بود. حدس پژوهشگران این بود که با در نظر گرفتن بیشتر مصاحبه های تحلیل شده، می توان توصیف گسترده تری از سبک زندگی، ترجیحات و عادات مترجمان داد و در مرحله بعد، این عادات می توانند شامل یکی از متغیرهای بی شماری باشند که فرد را به سمت ترجمه ادبی سوق دهند. نهایتاً، عادت واره این گروه از مترجمان در سه مفهوم دسته بندی شد که هر کدام از دسته بندی ها شامل چند مفهوم بودند. یافته های این پژوهش می تواند در آموزش ترجمه ادبی مثمر واقع شود. اساتید ترجمه ادبی می توانند با به کارگیری روش های تدریس خاص - برای مثال، تأکید بر مطالعه متون کلاسیک ادبیات فارسی - راه هایی برای تقویت چنین عادت هایی در دانشجویان بنا کنند. استدلال پژوهشگران در این زمینه این است که هرچقدر سبک زندگی و عادات دانشجویان به عادات مترجمان برجسته ادبی نزدیکتر باشد، احتمال موفقیتشان در زمینه ترجمه ادبی نیز بالاتر می رود. این پژوهش می تواند در سایر زمینه های آموزشی نیز مفید واقع شود. در نظام آموزشی کشور ما، اکثر اوقات دانشجویان بدون داشتن اطلاعاتی در مورد

مورد نقش فرهنگ و زمینه اجتماعی در شکل‌دهی هویت حرفه‌ای مترجمان پیردازد و در همین راستا، زمینه‌ای برای تحقیقات بیشتر درباره تأثیرات فرهنگی بر ترجمه فراهم کند.

از محدودیت‌های این پژوهش که احتمالاً بر نتایج و تحلیل‌های پژوهشگران اثرگذار بوده، می‌توان به تعداد نسبتاً کم شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های اولیه پرداخت. البته هماهنگی ارتباط با همین تعداد از مترجمان هم یکی از طاقت‌فرساترین مراحل پژوهش بود. از آنجایی که جامعه مورد مطالعه از مترجمان برجسته کشور بودند، دسترسی به ایشان به سختی انجام می‌گرفت. از طرفی دیگر، ممکن است این تعداد مترجم نماینده کاملی از جامعه بزرگ‌تر مترجمان ادبی ایران نباشد. همچنین، وابستگی به منابع ثانویه مانند مصاحبه‌های چاپ‌شده و کتاب‌ها می‌تواند به محدودیت در تنوع دیدگاه‌ها منجر شود، زیرا این منابع ممکن است نظرات خاصی را منعکس کنند. علاوه بر این، استفاده از نظریه داده‌بنیاد برای کدگذاری داده‌های کیفی نیازمند تفسیرهای شخصی پژوهشگران بود که خود می‌تواند به سوگیری در تحلیل‌ها منجر شود. با توجه به محدودیت‌های این پژوهش، از جمله تعداد کم مصاحبه‌شوندگان اولیه، توصیه می‌شود پژوهش‌های آتی با حجم نمونه بزرگ‌تر و متنوع‌تری از مترجمان، به‌ویژه مترجمان جوان‌تر یا مترجمان غیر ادبی، انجام شود تا امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها افزایش یابد. همچنین بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی و مشارکت‌دادن خود مشارکت‌کنندگان در بازبینی نتایج اولیه، می‌تواند از میزان سوگیری در تحلیل‌های داده‌بنیاد بکاهد. در نهایت، پژوهش‌های آتی می‌توانند با تمرکز بر تحلیل انتقادی محتوای مصاحبه‌های منتشرشده و مقایسه آن‌ها با داده‌های

گرایش‌های مختلف زبان انگلیسی، رشته مورد نظر را انتخاب می‌کنند و اغلب بین گرایش‌های مختلف زبان انگلیسی تفاوتی قائل نمی‌شوند. بر همین اساس، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در انتخاب مسیر دانشگاهی به دانشجویان نیز کمک کند. از دیگر کارکردهای مهم این پژوهش، مستندسازی و تحلیل بخشی از تاریخ شفاهی ترجمه ادبی در ایران است؛ داده‌هایی که حاصل مصاحبه‌های عمیق با مترجمان برجسته کشور هستند و تا کنون در پژوهش‌های ترجمه‌محور کمتر به شکل نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. مجموعه این مصاحبه‌ها می‌تواند به عنوان منبعی ارزشمند برای پژوهش‌های بینارشته‌ای در حوزه‌های مطالعات ترجمه، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی، ادبیات و تاریخ‌نگاری ادبیات معاصر فارسی مورد استفاده قرار گیرد. به ویژه، این پژوهش با شناسایی الگوهای ذهنی و عادت‌واره‌های مترجمان، به فهم دقیق‌تری از کنش ترجمه در بافت اجتماعی ایران کمک می‌کند و امکان تحلیل تحولات گفتمانی در فضای فرهنگی و ادبی ایران معاصر را فراهم می‌آورد. بنابراین، فراتر از ثبت روایت‌های فردی، این تحقیق به خلق یک سند فرهنگی-تحلیلی از نقش ترجمه در شکل‌دهی به هویت ادبیات معاصر فارسی کمک می‌کند. از دیدگاه نظری نیز این مطالعه می‌تواند به توسعه و غنی‌سازی نظریه عادت‌واره در حوزه ترجمه کمک کند. با شناسایی سه مفهوم کلی به‌دست آمده در این پژوهش، پژوهشگران می‌توانند چارچوب‌های نظری جدیدی برای تحلیل عادت‌واره‌های مترجمان ایجاد کنند که به درک بهتر رفتارها و انتخاب‌های آنان در فرآیند ترجمه منجر شود. همچنین، با توجه به تأثیر فرهنگ بر عادت‌واره‌های مترجمان، این مطالعه می‌تواند زمینه‌ای برای تحقیقات بیشتر در



## References

1. Ashrafi, Nasrin. 2024. Resilient voices in translation: relational sociology and women-led publishing in Iran. *Feminist Translation Studies* 1(1): 33-55.
2. Bourdieu, Pierre. 1990. *In other words: Essays toward a reflexive sociology*. California: Stanford University Press.
3. Bourdieu, Pierre. 1993. *Sociology in question*. Vol. 18. London: Sage.
4. Bourdieu, Pierre. 1996. *The rules of art: Genesis and structure of the literary field*. California: Stanford University Press.
5. Bourdieu, Pierre. 2005. *The social structures of the economy*. Cambridge: Polity.
6. Cadera, Susanne M., and Andrew Samuel Walsh. 2022. *Retranslation and reception: Studies in a European context*. Vol. 49. Leiden: Brill.
7. Casanova, Pascale, and Siobhan Brownlie. 2021. Consecration and accumulation of literary capital: Translation as unequal exchange. In *The translation studies reader*, 407-423. London: Routledge.
8. Chesterman, Andrew. 2009. The name and nature of translator studies. *Hermes* 42(2): 13-22.
9. Chesterman, Andrew. 2021. Translator studies. In *Handbook of Translation Studies*, 241-246. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
10. Costa, Cristina, and Mark Murphy. 2015. Bourdieu and the application of habitus across the social sciences. In *Bourdieu, habitus and social research: The art of application*, 3-17. London: Palgrave Macmillan.
11. Courtney, Jennifer, and Mary Phelan. 2019. Translators' experiences of occupational stress and job satisfaction. *Translation & Interpreting: The International Journal of Translation and Interpreting Research* 11(1): 100-113.
12. Dmitrienko, Gleb. 2024. Macrosociology of translation. In *The Routledge Handbook of Translation and Sociology*, 100-117. London: Routledge.
13. Dornyei, Zoltan. 2007. *Research methods in applied linguistics*. Oxford: Oxford university press.
14. Eris, Emrah. 2019. Habitus and translators: Orhan Pamuk's my name is red. *Çeviribilim ve Uygulamaları Dergisi*, 27: 132-151.
15. Fakharzadeh, Mehrnough, Ahmad Dabaghzadeh Dezfouli, 2021. The manifestation of translator's habitus in translation style: Case study of Saleh Hosseini's style. *Language and Translation Studies*, 19(38): 65-97.
16. Ferdowsi, Sima, and Saeed Ameri. 2024. Translators' Motivations for Title Selection in Iran: A Quantitative Study of the Role of Contextual and Professional Factors. *Applied Linguistics Inquiry* 2(2): 148-160.
17. Frère, Burno. 2011. Bourdieu's sociological fiction. In *The legacy of Pierre Bourdieu: A late classic*, 247-269. London: Anthem Press.
18. Flynn, Peter. 2004. Skopos theory: An ethnographic enquiry. *Perspectives* 12(4): 270-285.

میدانی، میزان همپوشانی و تفاوت‌های گفتمانی مترجمان را در بسترهای مختلف بررسی کنند و تصویری چندلایه‌تر از عادت‌واره‌های ترجمه در ایران معاصر ارائه دهند.

Funding: There is no funding support.

Authors' Contribution: The authors have written the article in a complete collaboration.

Conflict of Interests: This research does not conflict with personal and/or organizational interests.

19. Fylan, Fiona. Semi-structured interviewing. 2005. In *a handbook of research methods for clinical and health psychology*, 65-78. Oxford: Oxford university press.
20. Glaser, Barney, and Anselm Strauss. 2017. *Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. New York: Routledge.
21. Gouanvic, Jean-Marc. 2005. A Bourdieusian theory of translation, or the coincidence of practical instances: Field, 'habitus', capital and 'illusio'. *The Translator* 11(2): 147-166.
22. Haddadian-Moghaddam, Esmacil. 2014. *Literary translation in modern Iran*. New York: Routledge.
23. Hermans, Theo. 2014. *The manipulation of literature (routledge revivals): Studies in Literary Translation*. New York: Routledge.
24. Inghilleri, Moira. 2003. Habitus, field and discourse: Interpreting as a socially situated activity. *Target. International Journal of Translation Studies* 15(2): 243-268.
25. Jamalimanesh, Alireza, Zahra Amirian, and Dariush Nejad Ansari. 2024. Women's voices in literary translation: a Bourdieusian look at symbolic capital in post-revolution Iran. *Asia Pacific Translation and Intercultural Studies*. 11(3): 209-235.
26. Kaindl, Klaus, Waltraud Kolb, and Daniela Schlager, eds. 2021. *Literary Translator Studies*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
27. Kaindl, Klaus, and Mikael Evdokimov. Translator studies and translators as social actors. In *The Routledge handbook of translation and sociology*, 147-162. New York/ London: Routledge.
28. Khazaeifar, Ali, Moslem Fathollahi. 2010. Effect of Translation of Modern English Novels on the Norms of the sentence length in Persian novels (case study of classical and modern novels), *Language and Translation Studies*, 42(3): 37-58.
29. Khazaeifar, Ali. 2013. *A textbook of literary translation*, Tehran: Samt.
30. Khazaeifar, Ali. 2016. A New Method in translation: No thought, trouble, or creativity. *Motarjem*, 24(58): 3-11.
31. Kowsari, Abdollah. 1991. Interview with Abdollah Kowsari about Aura and Conversation in the Cathedral. *Motarjem*, 1(2):14-28.
32. Lincoln, Yvonna S., and Egon G., Guba. 1985. *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
33. Maazallahi, Parvaneh, Gholamreza Tajvidi. 2018. A Sociological investigation of literary productions between 1320 and 1345 with special attention to novel translation. *Journal of Kavoshnameh in Persian Language and Literature* 19(38): 65-97.
34. Meylaerts, Reine. 2008. Translators and (their) norms: Towards a sociological construction of the individual." In *Beyond descriptive translation studies: Investigations in homage to Gideon Toury*, 91-102. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
35. Monzó-Nebot, Esther. 2021. A case study of unquiet translators: Relating legal translators' subservient and subversive habitus to socialization. *Target. International Journal of Translation Studies* 33(2): 282-307.
36. Sela-Sheffy, Rakefet. 2005. How to be a (recognized) translator: Rethinking habitus, norms, and the field of translation. *Target. International Journal of Translation Studies* 17(1): 1-26.
37. Shadman, Nazanin, Masood Khoshsaligheh, and Reza Pishghadam. 2019. Iranian literary translators' emotional intelligence: Description of facets. *SKASE Journal of Translation and Interpretation* 12(1): 29-47.
38. Shadman, Nazanin, Masood Khoshsaligheh, and Patrizia Steca. 2022. Personality Description of Iranian Pre-eminent Literary Translators: Didactic Implications. *Teaching English Language* 16(2): 315-340.
39. Simeoni, Daniel. 1998. The pivotal status of the translator's habitus. *Target. International Journal of Translation Studies* 10(1): 1-39.
40. Susen, Simon, and Bryan S. Turner, eds. 2011. *The legacy of Pierre Bourdieu: critical essays*. London: Anthem Press.
41. Tan, Cheng Yong, and Dian Liu. 2022. Typology of habitus in education: Findings from a review of qualitative studies. *Social Psychology of Education* 25(6): 1411-1435.
42. Tymoczko, Maria. 2014. Why literary translation is a good model for translation theory and practice. In *Literary translation: Redrawing the boundaries*, 11-31. London: Palgrave Macmillan.
43. Vassallo, Helen. 2022. *Towards a feminist translator studies: Intersectional activism in translation and publishing*. London: Routledge.
44. Voinova, Tanya, and Miriam Shlesinger. 2013. Translators talk about themselves, their work and their profession: The habitus of translators of Russian literature into Hebrew, *TTR*. 26(2): 29-57.
45. Weissbort, Daniel, and Ástráður Eysteinnsson. 2006. *Translation: theory and practice: a historical reader*. Oxford: Oxford University Press.
46. Wolf, Michaela. 2012. Sociology of translation. In *Handbook of Translation Studies*, 337-343. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.